

پرسش‌ها و پاسخ‌ها

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب به اشعری خراسانی حفظه الله تعالی



موضوع:

۱. احکام؛ نکاح، حجاب و روابط جنسی
۲. احکام؛ ولایت، قضاوت و شهادت

بسم الله الرحمن الرحيم

پرسش

نویسنده: ایمان راستین

تاریخ: ۱۳۹۹/۱۱/۱۲

سؤالی از محضر بزرگواران داشتم. من زنی از دوستداران نهضت زمینه‌سازی برای ظهور امام مهدی علیه السلام هستم و قصد ازدواج با مردی از دوستداران نهضت را دارم، ولی پدرم شدیداً با نهضت مخالف است و اگر از قصد من مطلع شود، اجازه نمی‌دهد. آیا اگر به دروغ به او بگویم که این مرد از دوستداران نهضت نیست، عقد باطل است؟ اگر بله، چه راهی برای حل این مشکل وجود دارد؟

پاسخ

تاریخ: ۱۳۹۹/۱۱/۱۷

چنانکه از گفتار ۵۶ علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی دانسته می‌شود، نکاح باکره بدون اذن ولی او حرام، اما صحیح است؛ یعنی دختر بالغ، عاقل و رشیدی که قبلاً ازدواج نکرده، اگر بدون اذن پدرش ازدواج کند، مرتکب معصیت شده است، ولی ازدواج او باطل نیست؛ چراکه بنا بر قاعده و به حکم «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ»؛ «به عقدها پایبند باشید»، همه‌ی معاملات او در رابطه با خودش، به اقتضای بلوغ، عقل و رشدش نافذ است و وجوب گرفتن اذن از پدرش، تنها برای جلوگیری از متضرر شدن و مغبون شدن او با توجه به نداشتن تجربه است، تا مثلاً از روی احساسات سطحی و گذرا، با مردی وابسته به طاغوت یا تارک الصلاة یا شراب‌خوار یا کلاهبردار یا مفلس یا معتاد ازدواج نکند؛ خصوصاً با توجه به اینکه اگر با چنین مردی ازدواج کند، پدر او می‌تواند با مراجعه به حاکم شرعی، ازدواج او را فسخ کند؛ چراکه ازدواج او با چنین مردی، از سفاکت او پرده برداشته و نیاز او به ولایت پدرش را

۱. المائدة / ۱

www.alkhorasani.com

بایکة اطلاع بر سبیل فتر منصوصها شیخ محمد صالح المنجد حفظه الله تعالی

ثابت کرده است. بنابراین، وجود اذن پدر برای دختری که بالغ، عاقل و رشید است، شرط صحت ازدواج نیست، بلکه احتیاطی واجب از نظر عقل و شرع برای پیشگیری از متضرر شدن و مغبون شدن اوست. از این رو، خود نمی‌تواند سبب متضرر شدن و مغبون شدن او شود؛ چراکه در این صورت، غرض خداوند را نقض می‌کند و تبعاً اعتبار خود را از دست می‌دهد.

از اینجا دانسته می‌شود که دختر بالغ، عاقل و رشیدی که قبلاً ازدواج نکرده است، در صورتی مجاز به ازدواج بدون اذن پدرش نیست که پدرش سفیه یا ظالم نباشد؛ به این معنا که او را از روی سفاهت یا ظلم، از ازدواج با مؤمنی که کفو اوست باز ندارد؛ چراکه اگر سفیه یا ظالم باشد، ولایتی برای او نیست و دختر می‌تواند با وجود مخالفت او، با مؤمنی که کفو اوست ازدواج کند؛ با توجه به اینکه سفیه، خود نیازمند ولایت دیگری است و اهلیت آن را ندارد که بر دیگری ولایت داشته باشد؛ چنانکه خداوند فرموده است: ﴿فَإِنْ كَانَ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيهًا أَوْ ضَعِيفًا أَوْ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يُمِلَّ هُوَ فَلْيُمْلِلْ وَلِيُّهُ بِالْعَدْلِ﴾؛^۱ «پس اگر کسی که بر او حقی هست سفیه باشد یا ضعیف باشد یا توان املا کردن را نداشته باشد، پس ولی او باید به عدالت املا کند» و با توجه به اینکه خداوند سلطه‌ای شرعی برای ظالم بر ضدّ مظلوم قرار نداده است؛ چراکه قرار دادن چنین سلطه‌ای، خود ظلم محسوب می‌شود، در حالی که خداوند ظالم نیست؛ چنانکه فرموده است: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا﴾؛^۲ «بی‌گمان خداوند هیچ ظلمی به مردم نمی‌کند» و فرموده است: ﴿وَمَا اللَّهُ يُرِيدُ ظُلْمًا لِّلْعَالَمِينَ﴾؛^۳ «و خداوند ظلمی را برای جهانیان نمی‌خواهد» و از این رو، «عدالت» را در تصرف ولی شرط دانسته و فرموده است: ﴿فَلْيُمْلِلْ وَلِيُّهُ بِالْعَدْلِ﴾؛^۴ «پس ولی او باید به عدالت املا کند»؛ به این معنا که تصرف او اگر عادلانه نباشد، معتبر نیست؛ چنانکه یکی از یارانمان ما را خبر داد، گفت:

«سَأَلْتُ الْمَنْصُورَ عَنِ الْمُؤْمِنَةِ لَهَا أَبٌ فَاجِرٌ أَوْ نَاصِيٍّ يَمْنَعُهَا مِنْ نِكَاحِ مُؤْمِنٍ تُحِبُّهُ، وَلَا يَفْعَلُ ذَلِكَ إِلَّا لِأَنَّهُ مُؤْمِنٌ، فَقَالَ: تَنَكَّحْهُ وَإِنْ رَغِمَ أَنْفُ أَبِيهَا! قُلْتُ: إِنَّهَا بَكْرٌ فَتَخْشَى أَنْ تَكُونَ عَلَيْهَا مَعْرَةً، قَالَ: أَبُوهَا ظَالِمٌ، وَلَا وَلَايَةَ لِظَالِمٍ، أَلَمْ تَسْمَعْ قَوْلَ اللَّهِ تَعَالَى: ﴿وَقَدْ خَابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْمًا﴾؟^۵ فَهَلْ يَخِيبُ إِلَّا إِذَا لَمْ يَتَلَّ مَا طَلَبَ؟! ثُمَّ قَالَ: إِنْ امْتَنَعَتْ مِنْ نِكَاحِ الْمُؤْمِنِ طَاعَةً لِأَبِيهَا فَقَدْ عَصَتْ

۱. البقرة / ۲۸۲

۲. یونس / ۴۴

۳. آل عمران / ۱۰۸

۴. البقرة / ۲۸۲

۵. طه / ۱۱۱

رَبَّهَا، لِأَنَّهُ قَدْ نَهَى عَنْ طَاعَةِ كُلِّ «مَنَاعٍ لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ»^۱ كَائِنًا مِّنْ كَانَ»^۲؛ «از منصور درباره‌ی زنی مؤمن پرسیدم که پدری فاجر یا ناصبی دارد که او را از ازدواج با مردی مؤمن که دوستدار اوست باز می‌دارد و این کار را نمی‌کند مگر برای اینکه او مؤمن است، پس فرمود: با او ازدواج می‌کند اگرچه بینی پدرش به خاک مالیده شود! گفتم: او باکره است و از این رو، می‌ترسد که بر او گناهی باشد، فرمود: پدرش ظالم است و ظالم را ولایتی نیست، آیا سخن خداوند بلندمرتبه را نشنیده که فرموده است: <و ناکام شد هر کس که ظلمی را برگرفت>؟! پس آیا ناکام می‌شود جز هنگامی که به آنچه می‌خواهد دست نیابد؟! سپس فرمود: اگر برای اطاعت از پدرش، از ازدواج با مؤمن خودداری کند، پروردگارش را نافرمانی کرده است؛ چراکه خداوند بلندمرتبه از اطاعت هر <کسی که بازدارنده از کار خیر و ستم‌پیشه‌ای گناه‌کار است> نهی فرموده است، هر کس که می‌خواهد باشد».

با این حال، زن مؤمنی که قصد ازدواج با مردی مؤمن و مناسب خود را دارد، مجبور نیست که به پدر خود دروغ بگوید؛ چراکه می‌تواند درباره‌ی عقیده و عمل خاص او چیزی به پدر خود نگوید و به ذکر عقاید و اعمال عام او بسنده کند. آری، اگر پدرش صریحاً از او درباره‌ی عقیده و عمل خاص این مرد سؤال کند تا به اقتضای سفاهت یا ظلم خود، از ازدواج با او در صورتی که مؤمن باشد، بازدارد، دو حالت متصور است:

۱. زن، امکان ازدواج با او به رغم مخالفت پدرش را دارد؛ به این معنا که پدرش یا حاکم ظالم، قادر به بازداشتن او با قهر و غلبه نیستند. در این حالت، بر زن واجب است که صادقانه پدرش را از ایمان این مرد مطلع سازد؛ چراکه اگر صادقانه او را از ایمان این مرد مطلع سازد و او از روی سفاهت یا ظلم مخالفت کند، مخالفت او اثر شرعی ندارد و مانع از ازدواج نمی‌شود. بنابراین، زن می‌تواند ضمن حفظ احترام پدرش، به اطلاع او برساند که مخالفت او آگاهانه و عادلانه نیست و از این رو، تصمیم او را تغییر نمی‌دهد و او با مرد مؤمنی که تناسب لازم با او را دارد، ازدواج می‌کند.

۲. زن در صورت مخالفت پدرش، امکان ازدواج با این مرد را ندارد؛ به این معنا که پدرش یا حاکم ظالم، او را با قهر و غلبه از آن باز می‌دارند. در این حالت، زن می‌تواند پدرش را از ایمان این مرد مطلع نکند، ولی حتی امکان باید از دروغ پرهیزد و به «توریه» بسنده کند و آن پاسخ دادن به سؤال با سؤال یا استفاده از کلمه یا عبارتی است که دو معنا دارد: معنایی

۱. القلم/ ۱۲

۲. گفتار ۵۶، فقره‌ی ۲



نزدیک که شنونده برداشت می‌کند، ولی مقصود گوینده نیست و معنایی دور که شنونده برداشت نمی‌کند، ولی مقصود گوینده است؛ مانند اینکه بگوید: «او سرش در کار خود است و هیچ یک از این گروه‌ها را قبول ندارد» و منظورش از «کار خود»، زمینه‌سازی برای ظهور امام مهدی علیه السلام و منظورش از «این گروه‌ها» گروه‌های منحرف موجود باشد^۱.



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌ها شیعی خراسانی
مجله مجتبیٰ با تحکیم برپایه‌ها



۱. برای آگاهی بیشتر در این باره، بنگرید به: پرسش و پاسخ ۹۸.

www.alkhorasani.com

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌ها شیعی خراسانی حفظه الله تعالى



صفحه توییتر پایگاه

صفحه اینستاگرام پایگاه

صفحه تلگرام پایگاه

صفحه فیسبوک پایگاه

لینک مطلب فوق

* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.